



عکس: ایران

فرب نیکوکاران در لباس مددجو

بیراهه‌های راه خیر

گزارش

ایران و اشاقنی فراهانی

خبرنگار

مرد کهنه پوش با آستین لباس گوشه چشمش را پاک می‌کند تا مانع جاری شدن اشک‌هایش شود. در ازدحام خودروها و ترافیک، درماندگی مرد خمیده، مرا از حرکت بازمی‌دارد. پیرمرد اشاره می‌کند و می‌ایستد. با خود عهد می‌بندم گره از صورت نیک‌دانش باز کنم تا بنده خوب امروز خدا باشم. مسیر پیرمرد، شهر قدس است. می‌گوید قصد دارد دو نوازش را به بنیم خانه بسپارد چون بعد از مرگ دخترش، زندگی روی سختش را به آنها نشان داده است. پدر بچه‌ها هم که معناد و بی‌خانمان بوده، قبل از تولد دومین فرزندش بی‌خبر

رفته و اثری از او نیست. شاید زندگی تازه‌ای دارد و شاید هم در خماری همیشگی‌اش به خوابی ابدی رفته باشد. دل‌داریش می‌دهم. دستم با اشتیاق به درون کیفم می‌خزد. شاید همان صدقه‌ای که دلم راضی به آن است و دستم هم نمی‌لرزد، همین جاست. با مهربانی از او می‌خواهم راه نرفته را بازگردد. با نگاهی که التماس در آن موج می‌زد، می‌گویم «امروز به خانه برمی‌گردم، شاید گشایشی شد». کمی جلوتر کنار اتوبان پیرمرد هم پیاده شد، صورت پرخنده بچه‌ها با دیدن پدربزرگ فقیری را که با دست پر به خانه برگشته است تصور کردم. من جقدر احساس سبکی و نور می‌کنم. حس ناب دگرخواهی، وجودم را سرشار از شور و رهایی کرده است. هرچند از داشته‌ام دریغ نکردم اما قلبم درگیر سرنوشت نوه‌های پیرمرد شده است. چه باید بکنم

ت‌دل پرگریه پیرمرد سامان بگیرد و نگاهش از تاریکی برچیده شود؟ دو ساعت بعد در مواجهه با دوستی که هر روز همین مسیر را می‌رود می‌فهمم این ترفند پیرمرد، دامی برای فرب دیگران بوده است. این ماشین من هم شده، همین حکایت را تعریف کرده و من هم به او پول داده‌ام. «همان مسیر، با همان ترفند، با همان صحنه‌سازی‌های درداور! نگاهم به این مسیر و این طرح خیالی خیره می‌ماند. سادگی‌ام را احساس کرده می‌کنم و گدر می‌کنم! کارمند است و مسیر هر روز پرترافیک از خانه تا محل کارش را طی می‌کند. این زن دیگر رمقی برای کارهای خانه برایش نمی‌ماند. اما در میان همه این شلوغی، هرگز فروموش نمی‌کند که یکم هر ماه برای کمک به تأمین مرغ و ماهی یک خیریه ۶۰ خانواد

تحت پوشش، در قلبش تعهد دارد. برای کنار گذاشتن این پول، به ناچار خیلی از هزینه‌های غیرضروری زندگیش را حذف می‌کند تا بتواند در برابر تورم نه تنها از عهده هزینه‌های خودش که از عهده نیاز چند خانواده نیازمند نیز برآید. تاکنون چند زندانی بدهکار آزاد کرده است، لباس برتن نیازمند پوشانده است، گرسنه را غذا داده و در راه مانده را بخشیده است. به معامله با خدا با همه وجودش اعتقاد دارد؛ خسته است اما حس آسودگی دارد. فکری می‌کند اسمال که در آستانه عید به خاطر فشار کاری نتوانسته به موقع خانه تکانی‌اش را شروع کند، از یکی از خانواده‌های تحت پوشش خیریه کمک بگیرد. حتماً برایش علاوه بر دستمزد بیشتر از عرف، مواد غذایی و لباس شب عید هم در نظر می‌گیرد. ۶۰ خانواده که ۴

سال است با همه وجودش به آنها کمک می‌کند. منشی خیریه قرار است تا فردا یک نفر را به خانه‌اش بفرستد. این زن خسته و پرکار ۴۸ ساعت تا تحویل سال فرصت دارد. اما صدای منشی خیریه در آنسوی تلفن، آزارش می‌دهد: هیچکس حاضر به کار نشده؛ یکی می‌گوید کار کنم، خون دماغ می‌شوم. دیگری می‌گوید شوهرش اجازه کار به او نمی‌دهد. بیشترشان هم از کمردرد و درد استخوان ناله کرده‌اند. نگاهش در آینه به خطوط صورتش خیره می‌ماند. تردید می‌کند؛ دلیل این همه فقر، روشن است ...

شاید شما هم هزاران بار این را تجربه کرده‌اید. شاید برای شما هم اتفاق افتاده است!

اتوبوس آماده حرکت است. ۳۹ مسافر با اشتیاق منتظرند تا سفر تقریبی‌شان به باغ یک مرد نیکوکار در جاده چالوس را شروع کنند. دو روز خوش بدون دغدغه و نگرانی، در شلوغی جمعیت و حرف‌های پراکنده آنان می‌شود یک چیز را مدام شنید: دعا برای آنکه بانی این سفر بوده است. اما ناگهان حضور یک زوج عصبانی با چهره‌ای برافروخته، بانیان سفر را غافلگیر می‌کند و مسافران را نیز.

زن و مرد میانسال فهرستی از افراد تحت پوشش‌شان در دست دارند. مرد فریاد می‌زند: «هر کس که عازم این تور است و تحت پوشش این خیریه قرار دارد، از فهرست خیریه ما خارج می‌شود. تصمیم خودتان را بگیرد.» بحث بالا می‌گیرد. آشوبی به پا می‌شود. بانیان این سفر در ازدحام سؤال‌های گویج شده‌اند. بیچیده نیست. این افراد در خیریه‌های متعددی پرونده تشکیل داده‌اند و از خیریه‌های مختلف، کمک‌های متنوعی دریافت می‌کنند؛ بی‌آنکه اطلاعاتشان در سامانه‌ای مشترک، ثبت شده باشد. یکی از این مراکز نیکوکاری هر ماه سبد غذایی می‌دهد، یکی دیگر هزینه تحصیل، یک جا ودیعه مسکن‌شان را تأمین می‌کند، جای دیگر گوشت و میوه می‌بخشد. بعضی از خیریه‌ها فیش‌های تلنبار شده آب و برق و گاز مصرفی‌شان را پرداخت می‌کنند و وسایل خانگی و لباس هم که تقریباً جزو کمک‌های مشترک همه این مراکز نیکوکاری است. زندگی برخی از این خانواده‌ها بدون کار و تلاش، تأمین می‌شود.

نیود نظارت بر خیریه‌ها، گردش مالی این مراکز و خانواده‌هایی که تحت پوشش هر مرکز قرار دارند، یک معضل است نه یک نقص. معضلی به نام از بین رفتن اعتماد و گره از مشکل فرصت طلبی از این همه حسن نیت نیکوکاران خوش قلب! زن میانسال در گوشه یک پای‌کار با چادر و نایلون سرسبانه‌ی برای خودش ساخته است. اثاثه محقرش آتقدر

بی‌ارزش است که حتی بیم‌ندار دزدیده شود. از ۱۰ روز پیش که از بیمارستان مرخص شد و فهمید که ضمانت وام دوستش چه بلایی بر سر زندگیش آورده، راه دیگری برایش نماند. ودیعه خانه‌اش را بانک توقیف کرد و او ناگزیر در اینجا پناه گرفت. زن این ماجرا را با اشک و گریه تعریف می‌کند. به گفته خودش حقوق مستمری پدر که بعد از طلاقش برقرار شد، موجب طمع دوستش شد تا با نقشه قبلی از پرداخت اقساط وامش طفره رفت و او که ضامن است، ناچار به انجام تعهد وام گیرنده شد. زن زندگی سختی داشت. از همه جا مانده و درمانده.

ماجرای زندگی این زن در آلودگی در پارک که منتشر شد، نیکوکاران برای کمک به او پیشقدم شدند تا به خدا قرضی نیکو دهند. ودیعه مسکن و همه وسایل خانه زن تهیه و تأمین شد. خنده بر لبها نشست از این همه همدلی و همراهی. اما چند روز بعد، زن میانسال به همراه یک مرد جوان شیشه‌ای که ادعا می‌کرد همسرش است، برای فروش اثاثیه به سمساری محله رفت. او حاضر شد هدیه نیکوکاران را به کمترین قیمت بفروشد تا جا برای اثاثیه خودش باز شود؛ اثاثیه‌ای که در انباری خانه خواهرش به امانت گذاشته بود و حکایتی پرسوز و باورپذیر که اثر آن تا مغز استخوان هر شتونده را می‌سوزاند و به یاد می‌ماند!

نگار کیاپاشا با ۲۵ سال سابقه کار در خیریه‌ها بدترین خاطره‌اش را تمارض مددجویان به بیماری و نداشتن قوای جسمی و سلامتی برای انجام کار می‌داند و می‌گوید: برخی به تن پروری عادت کرده‌اند و با بیان داستان‌های ساختگی از خانواده خود سعی دارند بدون کار و تلاش از حاصل دسترنج دیگران بهره ببرند. این افراد موجب بی‌اعتمادی نیکوکاران می‌شوند و مانع سخاوت و بخشش افراد خیرخواه می‌شوند. آیا بخشش این افراد دغلكار رواست؟ وی به اعتیاد والدین و اعضای خانواده‌ها اشاره می‌کند که مشکل اصلی خانواده‌های بی‌بضاعت است؛ بارها شده است که زنی ادعا می‌کند شوهرش آنها را ترک کرده اما همین که مواد غذایی و وسایل مورد نیازش را تحویل می‌گیرد، مرد کمی دورتر از پشت درخت بیرون می‌آید تا در بردن این اقلام کمک کند. ما هم آبدیده شده‌ایم. حرف راست و دروغ را می‌شناسیم.

در مقابل به خانواده‌های آبرومندی

اشاره دارد که به قول معروف با سبیلی صورت نجیب‌شان را سرخ نگه می‌دارند. مثل خانواده یک زن مبتلا به سرطان که سرپرستی کودگان یتیمش را برعهده داشت. او هرگز حاضر نشد دست نیاز دراز کند و در حالی جان سپرد که دو فرزند یتیمش تنها مانده بودند. مادر بزرگ ناتوان و ازگرافتاده بود و بچه‌ها سرگردان بودند. سپردن آنها به بهزیستی آخرین راهی بود که پیش رو داشتند. اما یک نیکوکار بی‌نشان حاضر به پرداخت هزینه تحصیل و نگهداری بچه‌ها شد و آنها امروز راهی دانشگاه شده‌اند. نگار می‌گوید: در طول این همه سال هیچ‌گاه ندیده‌ام است که نیکوکاران، جا خالی بدهند. اما بسیار دیده‌ام است که فریب حسن‌نیت‌شان را خورده‌اند. بهترین و زیباترین لحظه از نگاه این مددگار امور خیریه، خارج شدن خانواده‌های تحت پوشش از چرخه حمایتی است. حکایت شیرین لحظه‌های خوب عدم وابستگی و رفع احتیاج، که میسر نمی‌شود مگر با عزم و اراده!

کمک‌های نیکوکاران به خیریه‌ها و نحوه توزیع این کمک‌ها بین مددجویان، بدون نظارت است. مراجع مختلفی هم مجوز صادر می‌کنند. گردش مالی این مؤسسات در اساسنامه تعریف نشده چون مؤسسه مالی نیستند و فقط می‌توانند به خانواده‌های گرفتار مشاوره یا راهمندی بدهند و آنها را به مراکز رسمی مثل کمیته امداد معرفی کنند. اما این خیریه‌ها حتی صندوق صدقاتی طراحی کرده‌اند که توزیع و جمع‌آوری می‌کنند و منابع مصرفی و هزینه‌هایشان بدون نظارت صورت می‌گیرد.

نیچود سامانه برای ثبت خانواده‌ها موجب شده تا افراد طمعکار همزمان از کمک‌های چندین مرکز خیریه بهره ببرند. یعنی عیش بی‌رنج! وجود خانواده‌های ضعیف و آسیب دیده در هر جامعه‌ای غیر قابل انکار است. آنها که دچار بد روزگار شده‌اند. کشتی شکستگانی که ساحل امن و دیدار یک درآشنا را آرزو دارند. حضور روشن و پر نور نیکوکاران عاشق‌تمند در این میان نیز داستان عاشقانه بی‌خالق و خلق است. اما نبود نظارت و جای خالی یک نهاد با سیستم نظارتی هیچ توجیهی ندارد. در این رهگذر، مراکز خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد و حمایتی یک راه برای پیوند بین این دو گروه نیست؛ بیراهه است!

حرف راست و دروغ را می‌شناسیم

بارها شده است که زنی ادعا می‌کند شوهرش آنها را ترک کرده اما همین که مواد غذایی و وسایل مورد نیازش را تحویل می‌گیرد، مرد کمی دورتر از پشت درخت بیرون می‌آید تا در بردن این اقلام کمک کند. ما هم آبدیده شده‌ایم. حرف راست و دروغ را می‌شناسیم.



بشرش



در جنوب

فیلیپین،

خانواده‌ها از

غذاهای اصلی

مانند کیک

برنج، قهوه، آب

آناناس، سوپ

میوه، ماهی و

همچنین

انواع غذاهای

دریایی برای

افطار استفاده

می‌کنند. در

این کشور

خانواده‌های

محلی زیادی را

خواهید دید که

نزدیک افطار،

ماهی‌های

دریایی تازه

صید شده را

در نزدیکی

مساجد در

سراسر کشور

می‌فروشند

گزارش

منبع: ۲۴ asianinspirations/ crisis

مترجم: ماندانا ملاملی

بیش از ۲۴ درصد از جمعیت جهان مسلمان هستند. تنها در جنوب شرقی و شرق آسیا دین بیش از ۳۰۰ میلیون نفر اسلام است. در نهمین ماه تقویم اسلامی مسلمانان ماه رمضان را جشن گرفته‌اند. بیشتر مسلمانان یک وعده غذایی سحری - در دست قبل از طلوع فجر و دیگری - افطار - بلافاصله بعد از غروب آفتاب می‌خورند.

در پایان روزه، با غروب آفتاب، خانواده‌ها و دوستان برای افطار دور هم جمع می‌شوند تا افطار کنند.

افطار با کیک برنج و آب آناناس

اما جزئیات برگزاری آیین ماه رمضان از آنچه خورده می‌شود تا نحوه برگزاری ماه رمضان، از کشوری به کشور دیگر و فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است.

در جنوب فیلیپین، خانواده‌ها از غذاهای اصلی مانند کیک برنج، قهوه، آب آناناس، سوپ میوه، ماهی و همچنین انواع غذاهای دریایی برای افطار استفاده می‌کنند. در این کشور خانواده‌های محلی زیادی را خواهید

دید که نزدیک افطار، ماهی‌های دریایی تازه صید شده را در نزدیکی مساجد در سراسر کشور می‌فروشند. بیشتر مسلمانان روزه خود را به همان



در جنوب

فیلیپین،

خانواده‌ها از

غذاهای اصلی

مانند کیک

برنج، قهوه، آب

آناناس، سوپ

میوه، ماهی و

همچنین

انواع غذاهای

دریایی برای

افطار استفاده

می‌کنند. در

این کشور

خانواده‌های

محلی زیادی را

خواهید دید که

نزدیک افطار،

ماهی‌های

دریایی تازه

صید شده را

در نزدیکی

مساجد در

سراسر کشور

می‌فروشند

سفره‌های افطار و سحری ماه رمضان در آسیای دور چه رنگی دارند؟

جشن ۳۰۰ میلیون نفری در شرق آسیا

روشی که حضرت محمد (ص) انجام می‌داد - با آب و خرما - قبل از خوردن وعده دوم افطار می‌کنند. آنها قبل از سحر روزه خود را با سحری شروع می‌کنند و اغلب ساعت ۳ صبح از خواب بیدار می‌شوند تا غذایی غنی از پروتئین را که معمولاً پیش از خواب آماده می‌کنند میل کنند.

در کره جنوبی در مسجد مرکزی سئول، مردان جوانی را می‌بینید که سینی‌های فلزی بزرگی پر از برنج و گوشت بره را از آشپزخانه‌هایی که در معرض دید نیست، برای صف تقریباً بی‌پایان مردان روزه‌دار بیرون می‌آورند. در اتاق‌های جداگانه‌ای که برای زنان در نظر گرفته شده است، میهمانی بسیار آرام‌تری ادامه دارد. نزدیک به ۱۰۰ کیلوگرم برنج در شب در ماه رمضان در مسجد مرکزی سئول سرو می‌شود و مردم برای افطار و عبادت به این مسجد می‌آیند.

این مسجد که در قلّه «نپه حلال» قرار دارد، با مناره‌های دوقلوی سر به فلک کشیده، قلب اسلام در کره جنوبی است. علاوه بر برنج و گوشت، انتظار داشته باشید بشقاب‌هایی از خرما کاراملی رنگ و آب بطری و هندوانه تازه پیدا کنید. و از آنجایی که در کره هستید، همیشه مدداری بولگوگی و مرغ سرخ شده پیدا می‌شود.

در اندونزی، کشوری با جمعیت گسترده مسلمان، سفره غذایی روزه‌داران از جزیره‌ای به جزیره دیگر تغییر می‌کند. کاری مرغ، کودانگان

(سبزیجات با نارگیل)، کولاک (چتر و کاساوا) و توفوی سرخ شده تنها بخشی از وعده‌های غذایی است که برای افطار مصرف می‌شود. همچنین خیابان‌گردی و رستوران‌گردی دسته جمعی برای صرف غذا هم بسیار محبوب است و رستوران‌های زیادی در سرتاسر پایتخت جاکارتا وجود دارد که برای چنین عصری آماده هستند. مالزی یکی دیگر از کشورهای است که جمعیت مسلمان زیادی دارد، بنابراین غذاهای سنتی زیادی برای انتخاب مردم محلی وجود دارد. به هر حال، افطار باید غذایی خوب، دلچسب و سنتی مالایی باشد که جسم و جان را گرم کند و بعد از یک روز روزه‌داری در هوای گرم و شرجی پاداش خوبی برای روزه‌داران باشد. بازارهای ماه رمضان مملو از چنین غذاهایی است - کاری، زندانگ، فرنی، کباب و کیک برنجی - همراه با چند نوآوری مانند نان‌های آغشته به سس شکر و خرما.

همچنین گزینه‌های زیادی برای شروع روزه با بویور لامبوک وجود دارد. فرنی برنج که از مواد مختلفی مانند سیب زمینی شیرین، میگو، گوشت گاو و مرغ تهیه می‌شود. خفیف و آسان هضم است، بنابراین با اینکه کمی مالایم است، اما در وعده سحری، آمادگی خوبی به روزه‌داران برای سیری کردن یک روز بدون صرف آب و غذا می‌دهد.

خارجی‌ها در برونی مراقب باشند
برونزی یک کشور مسلمان با

قوانین مذهبی سختگیرانه است. قانون شریعت برونی هم برای بازدیدکنندگان داخلی و هم برای غیرمسلمانان اعمال می‌شود. در طول ماه رمضان، مغازه‌ها و رستوران‌ها در طول روز بسته خواهند شد تا به روزه‌داران احترام بگذارند و رستوران‌های باز فقط می‌توانند غذای آماده سرو کنند. طبق قانون، مصرف غذا و نوشیدنی، جویدن آدامس یا سیگار کشیدن در اماکن عمومی در ساعات روشنایی روز جرم محسوب می‌شود.

خارجی‌ها (از جمله غیرمسلمانان) باید لباسی مناسب و متناسب با ماه رمضان بپوشند. آداب و رسوم اجتماعی را باید درک کرد و به آنها احترام گذاشت. موسیقی بلند و رقص در این زمان در مکان‌های عمومی توهین آمیز تلقی می‌شود.

در اندونزی خارجی‌هایی که از جزیره بالی که اکثریت هندوها هستند دیدن می‌کنند، تجربه متفاوتی نسبت به کسانی که به سایر جزایر اندونزی که اسلام در آن به طور گسترده اجرا می‌شود، مانند جاوه، سوماترا، سولاوسی و لومبوک دارند.

در اندونزی با بیشترین جمعیت مسلمان در جهان، عید فطر تعطیل رسمی است به علاوه یک هفته بعد از عید فطر در سراسر کشور تعطیلات برای همه ایدان مشترک است. در این زمان بیشترین حجم تقاضای سفر در داخل کشور وجود دارد و هتل‌ها از



در کره جنوبی

در مسجد

مرکزی سئول،

مردان جوانی

را می‌بینید که

سینی‌های فلزی

بزرگی پر از برنج

و گوشت بره را از

آشپزخانه‌هایی

که در

معرض دید

نیست، برای

صفت تقریباً

بی‌پایان مردان

روزه‌دار بیرون

می‌آورند.

در اتاق‌های

جداگانه‌ای که

برای زنان در

نظر گرفته شده

است، میهمانی

بسیار آرام‌تری

ادامه دارد



عکس: asianinspirations

بازارهای شگفت‌انگیز ماه رمضان در سنگاپور

روزه برای جشن گرفتن است. مسلمانان مالزی در طول روز مجاز به غذا خوردن در ملا عام نیستند و به احترام آنها خارجی‌ها باید هنگام غذا خوردن در جمع مراقب باشند. مراکز خرید در اواخر ماه رمضان به طور فزاینده‌ای شلوغ خواهند شد زیرا مردم محلی هدایایی برای خانواده و دوستان خرید می‌کنند. بودیسم دین رسمی تایلند است که بیش از ۹۰ درصد از جمعیت آن را تشکیل می‌دهد. جشن‌های رمضان در استان پوکت بیشتر است، جایی که حدود ۳۰ درصد از جمعیت آن را مالایایی‌های تایلندی تشکیل می‌دهند. در تایلند سنت صدساله‌ای است که مسلمانان در روز اول ماه مبارک رمضان یک گاو را قربانی می‌کنند.

روزه روزه شده است. دیدن افرادی که در جاده‌ها غذای رایگان (سحور) و نوشیدنی‌هایی مانند آب بطری، نقلات شیرین و خوش طعم و خرما (کوره) را به کسانی که در خانه نیستند برای افطار می‌دهند، در اندونزی عادی است.

قبل روزه شده است. دیدن افرادی که در جاده‌ها غذای رایگان (سحور) و نوشیدنی‌هایی مانند آب بطری، نقلات شیرین و خوش طعم و خرما (کوره) را به کسانی که در خانه نیستند برای افطار می‌دهند، در اندونزی عادی است.

افطارهای رایگان در اندونزی

ماه رمضان در اندونزی روند زندگی و کسب و کار سرعت پایین‌تری می‌گیرد. کسب و کارها ممکن است به طور کامل تعطیل شوند یا ساعات کار خود را تنظیم کنند، از جمله رستوران‌ها و غرفه‌های غذای محلی (واونگو). خوردن، آشامیدن یا کشیدن تنباکو در ساعات روشنایی روز در ملا عام یا اطراف روزه‌داران کاری دور از ادب محسوب می‌شود.

در مالزی مهم‌ترین تعطیلات سال در ماه رمضان قرار دارد. تعطیلات رسمی شامل اولین روز ماه رمضان (تعطیلات منطقه‌ای) و یک تعطیلات ملی است.